نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۹۷
سال بیست و نهم، بهار ۱۴۰۰، صفحه ۲۸۲ - ۲۶۳

بررسی پدیده معوقات بانکی و مقایسه آن با برخی کشورها (با تأکید بر نقش قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران)

محمدرضا سزاوار
دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
mr.sezavar@yahoo.com
علیرضا خزائی
دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی
al.khazaei@mail.sbu.ac.ir
مجتبی اسلامیان
دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی
m.eslamiyan@ut.ac.ir

بانک‌ها به عنوان موسسات مالی و خدماتی در یک جامعه نقش تعیین کننده‌ای در گردش پول و ثروت دارند و از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد هر کشور برخوردارند. هرچه جامعه در حال توسعه و رشد باشد، تعداد متقاضیان دریافت وام و تسهیلات افزایش یافته و به تبع آن، مبالغ مورد درخواست بالاتر می‌رود و به موازات آن، بانک‌ها و موسسات اعتباری بیشتر در معرض خطر عدم وصول قرار می‌گیرند. ایجاد مطالبات غیرجاری در بانک‌ها و موسسات اعتباری در تمامی کشورها امری طبیعی و عادی می‌باشد ولی نکته قابل تامل، میزان مطالبات غیرجاری است. در نظام بانکی بین‌الملل نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات قاعدتاً بین ۲ تا ۵ درصد است ولی در کشور ما در مقایسه با عرف جهانی این نسبت در اسفندماه ۹۶ به ۱۰/۳درصد رسیده است. از این‌رو، هدف از پژوهش حاضر بررسی و مقایسه تطبیقی پدیده معوقات نظام بانکی ایران با سایر کشورها و شناسایی راهکارهای برخی کشورهای دیگر در چگونگی حل این معضل می‌باشد. نتایج بررسی تطبیقی پدیده معوقات بانک‌ها نشان می‌دهد که علی رغم به‌کارگیری بانکداری غیرربوی در ایران، نظام بانکی کشور در مقایسه با سایر کشورهای دنیا در وضعیت مناسبی نبوده و نیازمند حل فوری معضل مطالبات غیرجاری می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: E58 ،E43،E40
واژگان کلیدی: مطالبات غیرجاری، بانکداری بدون ربا، تجارب کشورهای جهان.

تاریخ دریافت: ۵ / ۸ / ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۱۳ / ۲ / ۱۴۰۰

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

۱. مقدمه

مطالبات غیرجاری و نحوه وصول آن در سال‌های اخیر همواره یکی از موضوعات مهم و چالشی در نظام بانکی کشور بوده است. در هر سیستم اقتصادی پویا به خصوص بانک‌ها، گردش صحیح و سریع منابع و مصارف نمایانگر کارایی مطلوب روش‌های اجرایی بوده و وصول تسهیلات اعطایی در مدت زمان تعیین شده، مشخص کننده روش‌های صحیح به‌کارگیری منابع در جهت ایجاد تسهیلات لازم به منظور گسترش فعالیت‌های اقتصادی و تأمین منابع مورد نیاز بخش‌های مختلف تولیدی، بازرگانی، خدمات است. جلوگیری از ایجاد مطالبات معوق در تسهیلات اعطایی و یا وصول آنها به صورت بالقوه و بالفعل، امکان ایجاد درآمد جدید را افزایش داده و توان برنامه ریزی بانک را در صرف منابع و تحصیل درآمد، بالاتر خواهد برد. آمار بالای مطالبات معوق نشان دهنده ریسک اعتباری بالا در سیستم بانکی امروز است و این امر بانک‌ها را با ریسک‌های بازار و نقدینگی نیز مواجه می‌سازد. بررسی وضعیت مطالبات غیرجاری(مجموع مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول) بانک‌ها در کشور و مقایسه آن با متوسط جهانی، بیانگر وضعیت نامناسب بانک‌های ایرانی در وصول مطالباتشان است.

افزایش سطح مطالبات غیرجاری بانکی نه تنها می‌تواند سلامت هر یک از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی کشور را با تهدید مواجه نماید بلکه در سطح کلان نیز به کاهش قدرت اعتباردهی شبکه بانکی و به دنبال آن تنگنای اعتباری بانک‌ها منجر شود و با عنایت به بانک‌محور بودن نظام تأمین مالی در کشور، به کاهش رشد اقتصادی خواهد انجامید. در مجموع، با وجود اینکه بسیاری از کشورها و نهادهای مالی اسلامی با مشکل دیرکرد در پرداخت تعهدات و نکول مواجه هستند، اما تا به امروز نتوانستند به یک راه حل مشترک جهت رفع این مشکل دست یابند. از این‌رو با توجه به اهمیت موضوع سعی شده است ابتدا وضعیت مطالبات معوق نظام بانکی ایران بررسی و نسبت NPL[1] به کل تسهیلات در ایران با سایر کشورها مورد مقایسه و ارزیابی قرار گیرد، سپس در ادامه به

1. Non-Performing Loans

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

منظور شناخت راهکارهای بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی جهت مقابله با این معضل نظام بانکی به ارائه تجارب کشورهای مختلف اسلامی در چگونگی بازپرداخت تعهدات خواهیم پرداخت.

۲. مبانی نظری

مطالبات معوق بانکی جزئی از ادبیات بانکداری در اقتصاد است، زیرا همان طور که همه فعالیت‌های اقتصادی از میزان مشخصی ریسک برخوردارند، فعالیت بانکی نیز دارای ریسک‌های مختلف است. یکی از ریسک‌ها به عدم بازپرداخت بدهی‌ها توسط مشتریان نظام بانکی و یا عدم تمایل آنها به بازپرداخت باز می‌گردد، بنابراین در ادبیات اقتصادی، مطالبات معوق بخشی از مشکلات معمول فعالیت‌های بانکی محسوب می‌شود، گرچه در بانکداری بدون ربا با وجود عقود به‌کارگرفته شده، چنین مطالباتی بی‌معنا قلمداد می‌شود. با این حال با توجه به آثار مخرب آن در کارآیی نظام بانکی کاهش این مسئله اهمیت زیادی دارد. آنچه به تبع این صعود در ارقام مطالبات غیرجاری حاصل می‌گردد، انباره شدن منابع بانک، متورم شدن حساب ذخایر احتیاطی و موارد پیشرفته‌تر عدم تطابق بین سررسید تعهدات و مطالبات خواهد بود که اثر تمامی این‌ها کاهش نرخ بازده دارایی‌ها و سودآوری بانک می‌باشد.

اثر سوء رشد این مطالبات بر اقتصاد خرد و کلان، موجب تضعیف و آسیب بر جریان صحیح گردش مالی در نظام اقتصادی حاکم شده و از جنبه‌های مختلف این سوء جریان به کندی در عملیات بانک‌ها و موجب عدم امکان برنامه‌ریزی اعتباری دقیق، برای مسئولین اقتصادی می‌گردد.

در سطح کلان، وجود منابع مالی بلااستفاده در بانک‌ها یا عدم بازگشت اعتبارات به بانک‌ها دو جریان منفی است که هر یک به ترتیب کاهشی سودآوری و تقلیل قدرت وام دهی را باعث می‌شوند و به تبع این موضوع تولید ناخالصی ملی و درآمد ملی را با کاهش روبرو نموده و افزایش قیمت‌ها و رشد تورم در جامعه در پی دارد.

در سطح خرد نیز افزایش مطالبات غیرجاری، بانک‌ها را بالاجبار، رو به استقراض از بانک مرکزی کشانده که این امر آنها را ناگزیر از پرداخت جریمه می‌نماید.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

۳. ادبیات موضوع

۱-۳. مطالبات معوق و علل ایجاد آن

عوامل تأثیرگذار بر ایجاد و افزایش مطالبات معوق را می‌توان به عوامل درون سازمانی(درون بانکی) و عوامل برون سازمانی(بیرون بانکی) و همچنین عوامل مالی و اقتصادی تقسیم بندی کرد.

عوامل مالی و اقتصادی و به طور کلی شرایط اقتصادی، یکی از مهمترین عوامل ایجاد و رشد مطالبات معوق می‌باشند. در بسیاری از مطالعات اقتصادی نظیر کاری[1](۱۹۹۸) و لوئیز و همکاران[2](۲۰۱۲)، از رشد و رونق اقتصادی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش حجم مطالبات معوق نام برده شده است، زیرا در شرایط رونق اقتصادی هم خانوارها و هم بنگاه‌ها قادر به پرداخت بدهی‌های خود می‌باشند. بر اساس مدل مصرف چرخه زندگی(آندو و مودیگلیانی[3]،۱۹۶۳) و تئوری چرخه‌های تجاری هایک[4]، افزایش رشد اقتصادی تأثیری منفی و معنادار بر حجم مطالبات معوق دارد، زیرا رشد و رونق اقتصادی سبب افزایش توان بازپرداخت بدهی عاملان اقتصادی می‌شود (کواگلیارلو).[5]

از سوی دیگر می‌توان گفت با استمرار رشد و رونق اقتصادی، اعطای تسهیلات در سطوح مختلف درآمدی جامعه افزایش می‌یابد و بنابراین افرادی که توانایی بازپرداخت وام را ندارند قادر به دریافت تسهیلات خواهند شد، در حالی که این تسهیلات‌گیرندگان به دلیل کاهش ارزش دارایی‌ها و عدم توانایی مالی قادر به باز پرداخت بدهی خود در زمان رکود نخواهند بود (جیناکوپولوس[6]،۲۰۰۹). عامل رکود همچنین موجب عدم فروش محصولات و خدمات شده و موجب افزایش دوره وصول مطالبات و در نهایت دوره گردش عملیات می‌شود و بدین ترتیب امکان

1. Carey
2. Louzis et al
3. Ando and Modgliani
4. Hayek
5. Quagliarello
6. Geanakoplos

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

بازپرداخت بدهی‌ها کاهش می‌یابد، بنابراین می‌توان گفت رکود اقتصادی یکی از عوامل مؤثر بر افزایش مطالبات معوق می‌باشد (سالاس و سورینا[1]،۲۰۰۲).

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر حجم مطالبات معوق، نرخ تورم می‌باشد. به وجود آمدن شرایط تورمی در اقتصاد، موجب ناتوانی عاملان اقتصادی در بازپرداخت بدهی‌ها می‌شود. افزایش تورم موجب عدم تمایل پرداخت بدهی ناشی از سطح عمومی قیمت‌ها شده و در نتیجه انتظار کاهش ارزش بدهی ناشی از تورم، سبب افزایش مطالبات معوق می‌شود. با افزایش نرخ تورم ارزش واقعی وام‌های دریافتی از سیستم بانکی کاهش می‌یابد و قرض گیرندگان به دلیل بهره بردن، تمایلی به بازپرداخت وام‌ها ندارند و در اثر تعویق بازپرداخت وام ها، بر حجم مطالبات معوق افزوده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر کاهش جریان نقدینگی بانک‌های تجاری و افزایش ریسک اعتباری، تورم می‌باشد (ففاک[2]،۲۰۰۵).

یکی دیگر از عوامل کلان اقتصادی مؤثر بر رفتار بانک‌ها و حجم مطالبات معوق آنها، میزان بدهی بخش دولتی می‌باشد. تأثیر بدهی بخش دولتی بر مطالبات معوق را می‌توان از دو کانال بررسی کرد. کانال اول این است که با افزایش بدهی و بدتر شدن وضعیت مالی دولت، استقراض از بانک مرکزی به عنوان یکی از راه‌های تأمین مالی افزایش می‌یابد. با افزایش استقراض دولت از بانک مرکزی، سقف اعتبارات اعطایی این بانک به سایر بانک ها، کاهش می‌یابد و در نتیجه بانک‌ها با مشکل کمبود نقدینگی مواجه می‌شوند. بانک‌های تجاری نیز در پاسخ به این رویداد، مجبور به کاهش و قطع وام‌های خود به مشتریان می‌شوند و در اثر ناتوانی قرض گیرندگان در بازپرداخت وام‌ها، حجم مطالبات معوق در سیستم بانکی افزایش می‌یابد.

کانال دوم، تأثیرگذاری بدهی‌های دولت بر مطالبات معوق را می‌توان از طریق کاهش مخارج اجتماعی دولت در اثر افزایش بدهی و در نتیجه عدم توانایی دولت در پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان دولت، دانست. عدم توانایی دولت در پرداخت حقوق، سبب به وجود آمدن شوک مالی و کسری بودجه خانوارها شده و در اثر عدم توانایی بازپرداخت وام ها، بر حجم وام‌های بازپرداخت

1. Salas and Saurina
2. Fofack

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

نشده سیستم بانکی افزوده می‌شود. از سوی دیگر شرکت‌های بزرگ نیز در اثر کاهش قدرت خرید و کاهش تقاضای خانوار، با کاهش فروش و کمبود نقدینگی و در نتیجه مشکل عدم بازپرداخت وام‌های دریافتی از بانک مواجه می‌شوند، برآیند این اتفاقات می‌تواند سبب افزایش حجم مطالبات معوق در سیستم بانکی شود (لوئیز و همکاران،۲۰۱۲).

یکی دیگر از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر مطالبات معوق بانک ها، عوامل درون سازمانی و عوامل برون سازمانی می‌باشند. عوامل درون سازمانی به طور خلاصه عبارتند از: عدم وجود سیستم ارزیابی دقیق مشتریان بانک، کندی روند وصول مطالبات، عدم وجود مدیریت مؤثر بر اقلام دارایی‌ها، ضعف کیفی فرآیند و مراحل بررسی تسهیلات اعطایی، عدم دقت لازم در خصوص وضعیت مالی و اعتباری ضامن یا ضامن‌ها، عدم وجود سیستم هدف‌گذاری تعهدات بانک و پایین بودن نرخ خسارت تأخیر نسبت به هزینه تحصیل پول در بازار غیررسمی.

از عوامل برون سازمانی که سبب ایجاد رشد مطالبات معوق می‌شود نیز می‌توان به تسهیلات تکلیفی، عدم وجود سیستم اطلاعات یکپارچه، بروز حوادث غیرمترقبه، تغییر و تحولات در قوانین و مقررات، تغییر و تحولات سیاسی-اقتصادی و بروز مشکلاتی در انحصار وراثت و غیره را نام برد (اکرامی و رهنما،۱۳۸۸).

همچنین از عوامل بنیادی دیگر در ایجاد معوقات در نظام بانکی می‌توان به نوسان نرخ تورم و تضعیف مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها اشاره کرد (نتاج و پورکردی، ۱۳۹۲).

۲-۳. برخی مفاهیم مربوط به مطالبات بانکی

بر اساس آخرین بخشنامه بانک مرکزی[۱]،چارچوب مطالبات بانکی به طبقات زیر تقسیم می شود:

۱-۲-۳. طبقه جاری

پرداخت اصل و سود تسهیلات و یا بازپرداخت اقساط در سررسید صورت گرفته و یا حداکثر از سررسید آن ۲ ماه گذشته است.

۱. بخشنامه مب/۲۸۲۳ تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۵

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

۲-۲-۳. طبقه سررسید گذشته

ازتاریخ سررسید اصل وسودتسهیلات و یا تاریخ قطعی پرداخت اقساط بیش از ۲ماه گذشته است، اما تأخیردر بازپرداخت هنوز از ۶ماه تجاوز ننموده است. در این‌صورت مجموع اقساط سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می‌شود.

۳-۲-۳. طبقه معوق

اصل و سودتسهیلاتی که بیش از شش ماه و کمتر از هجده ماه از تاریخ سررسید سپری شده است و مشتری هنوز اقدامی برای بازپرداخت مطالبات ننموده است. دراین صورت مجموع اقساط سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می‌شود.

٤-۲-۳. طبقه مشکوک الوصول

تمام اصل و سود تسهیلاتی که بیش از ۱۸ ماه از سررسید و یا از تاریخ قطعی پرداخت اقساط آنها سپری شده است ومشتری هنوز اقدام به بازپرداخت بدهی خود ننموده است.

۳-۳. اصول پنجگانه جلوگیری از بروز مطالبات معوق

بانک‌ها با اعمال چهار مؤلفه در هنگام اعطای تسهیلات می‌توانند از رشد مطالبات معوق خود جلوگیری کنند (محرابی،۱۳۹۳) در شناخت مشتریان و تقاضای تسهیلات مختلف چهار فاکتور که با c آغاز می‌شوند نقش مهمی را ایفا می‌کنند که در اصطلاح بانکی (چهار c) نام گرفته است. اگر این قواعد چهارگانه رعایت شوند تا حد قابل توجهی می‌توان از رشد مطالبات معوق جلوگیری کرد.

سرمایه:[1] اصل اول در شناخت تقاضای تسهیلات است. به این معنا که تشخیص میزان سرمایه آورده فرد تسهیلات گیرنده که در تمام دنیا حدود ۲۰ درصد محاسبه می‌شود تا به سرمایه بانک لطمه وارد نشود.

- شخصیت:[2] اصل دوم در مدیریت ریسک مطالبات بانکی است که سابقه تجاری فرد، حسن شهرت و سابقه چک‌های برگشتی فرد را مورد توجه قرار می‌دهد تا با صحت و تأیید رعایت

1. Capital
2. Character

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

اصول حرفه‌ای و انجام تعهدات بانکی از سوی تسهیلات گیرنده، وام مورد نیاز در اختیارش قرار گیرد و نگرانی بانک از جهت بازگشت سرمایه رفع شود.

- ظرفیت:[1] سومین اصل است که توان سرمایه‌گذاری و مدیریت آن همچنین میزان بازار تحت سلطه فرد تسهیلات گیرنده را شناسایی و بررسی می‌کند تا قدرت مدیریت مالی فرد را در حد تعادل نگه داشته تا با کاهش یا افزایش افراطی مدیریت مالی به میزان سرمایه بانک لطمه وارد نکند. میزان ظرفیت فرد به شرایط بازار پول، موقعیت، تجربه، توان و سابقه حرفه‌ای فرد مرتبط است تا ظرفیت اجرایی و اداری ایجاد کرده باشد.
- وثیقه و ضامن:[2] چهارمین اصل است که با در کنار هم قرار گرفتن چهار عامل مذکور تا حد زیادی می‌توان از ایجاد رشد مطالبات بانکی جلوگیری کرد.
- شرایط:[3] با تغییرات مؤلفه‌های اقتصادی در ایران می‌توان گفت شرایط، اصل پنجمی است که در حجم مطالبات معوق بانک‌ها تأثیر گذار است. شرایط تورم رکودی، محدودیت، مدیریت، تغییر سلیقه‌ها و امثال آن از جمله موارد مورد نظر در تعیین میزان مطالبات معوق بانکی است. برخی مطالبات بانکی نیز با حوادث غیرمترقبه همچون فوت، زلزله و امثال آن ایجاد می‌شود که فرد در قید حیات نیست تا مطالباتش را پرداخت کند، اما در این شرایط نیز بیمه تا حد زیادی در وصول مطالبات معوقه با بانک همراهی می‌کند.

در صورت رعایت این اصول با نظارت و بررسی‌های کامل تا حد زیادی از شکل‌گیری مطالبات بانک‌ها پیشگیری خواهد شد. البته با اختیار عمل بانک‌ها در انتخاب مشتریان و رتبه‌بندی آنها می‌توان گفت که بانک‌ها راهکار لازم برای جلوگیری از ایجاد و رشد مطالبات معوق را در اختیار دارند.

٤. مطالعات انجام شده

در این قسمت، به مرور برخی از مطالعات انجام شده داخلی و خارجی در این زمینه پرداخته می‌شود.

1. Capacity
2. Collatral
3. Conditions

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

کاسترو[1](۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل اقتصاد کلان ریسک اعتباری در سیستم بانکی: مورد GIPSI[2]» به بررسی رابطه میان پیشرفت‌های اقتصاد کلان و ریسک اعتباری بانکی و عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در کشورهای یونان، ایرلند، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا پرداخت. او با استفاده از رویکرد داده‌های پانل در طول دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۷ نشان می‌دهد که شرایط بد متغیرهای کلان اقتصادی نقش بسیار تعیین کننده‌ای در افزایش مطالبات معوق بانک‌ها در این کشورها دارد و همچنین تمام معیارهای سیاسی که می‌تواند برای رشد اقتصادی، اشتغال، بهره‌وری و رقابت به‌منظور کاهش بدهی‌های عمومی و خارجی در این کشورها اجرا شوند، برای ایجاد ثبات در اقتصاد بسیار ضروری هستند.

داسیلوا و دیوینو[3] (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای با عنوان «نقش قوانین بانکی در یک اقتصاد تحت ریسک اعتباری و شوک نقدینگی» به بررسی نقش قوانین بانکی در ایجاد و رشد مطالبات معوق بانکی در برزیل پرداختند. این مطالعه یک مدل تعادل عمومی تصادفی پویا (DSGE)[4]را برای دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۵ ارائه می‌دهد که شامل یک بخش مالی برای تحلیل اثرات شوک نقدینگی و ریسک اعتباری در اقتصاد برزیل است. نتایج این مطالعه نشان داد که ریسک اعتباری و افزایش مطالبات معوق دوره‌ای است و ریسک عدم بازگشت تسهیلات اعطایی به ویژگی‌های ساختاری بستگی دارد. بر این اساس سیاست‌گذاران بانکی می‌توانند با تنظیم سیاست‌هایی برای ارتقای ثبات مالی و کارایی، میزان مطالبات معوق بانکی را کاهش دهند.

اکرامی و رهنما اسکی(۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای از طریق بررسی برخی عوامل مرتبط با مطالبات سررسید گذشته و معوق، به ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از ایجاد آن پرداختند. در این راستا، رابطه ۹ متغیر؛ معدل موجودی شش ماهه حساب جاری، داشتن چک برگشتی، سابقه افتتاح حساب جاری، زمینه فعالیت تولیدی متقاضی، سابقه اعتباری مشتری، نوع وثیقه ارائه شده، حجم گردش حساب جاری، مبلغ تسهیلات و نسبت مبلغ تسهیلات به معدل موجودی به عنوان متغیرهای مستقل

1. Castro
2. Greece, Ireland, Portugal, Spain and Italy
3. Da Silva , Divino
4. Dynamic Stochastic General Equilibrium model

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

پژوهش، با وضعیت بازپرداخت تسهیلات (معوق شدن در مقابل معوق نشدن)، به عنوان متغیر وابسته پژوهش بررسی شده است. داده‌های پژوهش از طریق بررسی پرونده‌های موجود در بانک تهیه و با روش آماری رگرسیون لجستیک، تجزیه و تحلیل شده است. از مدل نهایی، می‌توان نتیجه گرفت با افزایش یک واحد در متغیرهای چک برگشتی، سابقه اعتباری و نسبت مبلغ تسهیلات به معدل موجودی، احتمال معوق شدن تسهیلات افزایش یافته و با افزایش یک واحد در حجم گردش حساب جاری متقاضی، احتمال معوق شدن تسهیلات کاهش می‌یابد.

رستمیان و طبسی(۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مطالبات معوق در بانک‌های تجاری منطقه آزاد تجاری- صنعتی کیش طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۰ پرداخته‌اند در این تحقیق، پرونده‌هایی انتخاب شده است که مرجع صدور مصوبه آنها کمیته اعتباری مدیریت شعب بوده و بیشترین بدهی معوق را به هر یک از شعب بانک ملت منطقه آزاد کیش دارند و با مراجعه به پرونده‌های این مشتریان، اطلاعات لازم برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استخراج شده است. در انتها ۵۸ پرونده مطالبات معوق طی دوره زمانی مذکور به صورت تصادفی مشخص و مورد بررسی قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از توزیع فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، تحلیل همبستگی اسپیرمن و آزمون کای دو استفاده شده است. براساس نتایج تحقیق، بین نوسانات نرخ ارز، نوع فعالیت اقتصادی، مدت زمان اعتبارات اعطایی، نوع موراد استفاده از اعتبار، نوع وثایق دریافتی و نوع اعتبار اعطایی، با مطالبات معوق رابطه وجود دارد.

آقایی و رضاقلی‌زاده (۱۳۹۶)در مطالعه‌ای به بررسی عوامل بانکی و اقتصادی مؤثر بر حجم مطالبات معوق بانک‌های بزرگ دولتی کشور، در قالب الگوهای پانل پویا و برآوردکننده گشتاورهای تعمیم یافته[1] (GMM) طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۰ پرداخته شده است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که متغیرهای کلان اقتصادی (رشد اقتصادی، نرخ تورم، نرخ سود تسهیلات و بدهی‌های بخش دولتی) نقش قابل توجهی در توضیح تغییرات مطالبات معوق بانک‌های دولتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت طی دوره‌ی مورد بررسی داشته است. از بین متغیرهای بانکی نیز نقش

1. Generalized Method of Moments.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

مدیریت و کارآیی بانک‌های دولتی در توضیح‌دهندگی تغییرات مطالبات معوق قابل توجه می‌باشد. با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت تغییرات مطالبات معوق بانک‌ها، بیشتر تحت تأثیر شرایط اقتصادی قرار دارد.

۵. وضعیت مطالبات معوق در نظام بانکی کشور (با تأکید بر نقش نظام بانکی در قانون بانکداری بدون ربا)

طبق آمار و ارقام منتشره از سوی بانک مرکزی در سال‌های اخیر نسبت مطالبات معوق به کل تسهیلات شبکه بانکی رشد قابل توجهی را تجربه کرده که نشان دهنده قفل شدن بخش قابل توجهی از منابع بانکی و عدم بازگشت آن به اقتصاد است. متناسب با همین روند، در این سال‌ها فعالان بخش تولید از کمبود نقدینگی در بخش‌های مولد اقتصادی گلایه داشته‌اند. این در حالی است که به دلایل زیر انتظار می‌رود تا در سیستم بانکداری بدون ربا اصولاً پدیده بدهی‌های بانکی مطرح نباشد:

۵-۱. طبقه‌بندی عقود به مشارکتی و مبادله‌ای

سیستم بانکی عقود مورد عمل در درون شبکه خود را به عقود مشارکتی و عقود مبادله‌ای طبقه‌بندی کرده است. در عقود مشارکتی که طی آن بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران وجوه آنان را در انواع فعالیت‌ها با متقاضیان، سرمایه‌گذاری می‌کند منطقاً طرفین مشارکت بدهکار هم محسوب نمی‌شوند بلکه شرکای یکدیگر به حساب می‌آیند. زیرا آنها در پروژه مورد سرمایه‌گذاری با نسبت‌هایی سهیم هستند. سود سرمایه‌گذاری برای طرفین و زیان آن هم برای طرفین است. لذا به‌دلیل زیان پروژه، متقاضی سرمایه‌گذاری به بانک که وکیل سپرده‌گذاران است بدهکار نمی‌شود. از این‌رو عدم بازپرداخت تعهدات موضوع سرمایه‌گذاری، معوقه تلقی نشده و بدهی نامیده نمی‌شود. واقعیت این است که پروژه‌ها به دلیل بررسی‌های هزینه- فایده قبلی عمدتاً سودآور بوده‌اند و گاهی هم ممکن است زیان‌ده شوند. کسی در این ارتباط از فرد دیگری «قرض» نگرفته است که «بدهکار» او باشد. نه سپرده‌گذار بدهکار سرمایه‌گذار و نه سرمایه‌گذار بدهکار سپرده گذار است. زیرا آنها به‌واسطه یک وکیل (بانک) با هم شریک شده‌اند و سرمایه‌گذاری کرده‌اند و باید شرایط بازار را بر خود هموار سازند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

در کدامیک از سرمایه‌گذاری‌ها وکیل، مسئول سود و زیان سرمایه‌گذاری است که در نظام بانکی ایران بانک به عنوان وکیل یکی از شرکاء (سپرده گذاران) از شریک دیگر (سرمایه‌گذاران) مطالبه اصل سرمایه و سود محتوم برای آن را می‌کند حتی اگر پروژه زیان‌ده شده باشد؟ این چه نوع مشارکتی است که در آن یکی از طرفین تفوق مطلق بر شریک خویش دارد؟ البته بانک به‌عنوان وکیل باید وظیفه خود را در شناخت پروژه و برآورد صحیح سود سرمایه‌گذاری در آن ایفا کند و اگر پروژه‌ای از ناحیه عدم رعایت وظایف وکالت بانک زیان آور شد وکیل در قبال آن مسئول است اما بین شکست پروژه در اثر عدم ایفای وظایف وکالت در موضوع ارزیابی صحیح از هزینه- فایده پروژه، با دچار مشکل شدن آن به دلایل دیگر غیراز وظایف وکالت، فاصله‌ای بسیار است.

نکته مهم دیگر آن است که بانک به عنوان وکیل در موقعیتی قرار ندارد که طلبکار یکی از طرفین سرمایه‌گذاری مشارکتی شود و در محاسبات خویش خود را طلبکار و صاحب معوقه‌های غیرجاری بشمارد. این رفتار صرفاً با بانکداری مبتنی بر قرض سازگار است اما برای سیستمی که مدعی اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) است این اظهارات چه محملی دارد؟

۲-۵. وکالت بانک از طرف سپرده‌گذاران

در عقود مبادلاتی بانک‌ها به وکالت از طرف سپرده‌گذاران عمدتاً وارد خرید و فروش کالا یا بیع می‌شوند.کالایی معین مثل مسکن، نهاده تولید، تراکتور، خودرو و یا وسایلی دیگر توسط بانک با اخذ تأمین کافی که همه ساله به نفع بانک (وکیل سپرده‌گذاران) قابلیت بیمه شدن هم دارند، خریداری و به متقاضی فروخته می‌شود و از بابت مابه‌التفاوت فروش نقدی و یا نسیه آن منافعی متوجه سپرده‌گذاران (و نه بانک که وکیل است) می‌شود؛ البته اگر بانک هم در این روند سرمایه‌گذاری کرده باشد بابت آن منفعت می‌برد و بدیهی است دریافت حق‌الوکاله توسط بانک مقوله دیگری است.

در چنین شرایطی بدهی خریدار به فروشنده (که در واقع سپرده‌گذار است) معنی دارد. اما چنین نیست که فروشنده در صورت استنکاف خریدار به پرداخت بدهی، بدون پشتوانه باشد. او به‌وسیله وکیل خود که بانک است وثائق و تأمین کافی از خریدار دریافت کرده و می‌تواند با طی شرایطی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

وثائق را فروخته و یا پس از ارزیابی آنها را تملک کند. بنابراین بدهی بدون پشتوانه در عقود مبادلاتی هم به وجود نمی‌آید. حداکثر آن است که فروشنده (سپرده‌گذار) به‌جای این که طلب خود از خریدار (بدهکار) را به‌صورت پول نقد دریافت کند آن را در قالب‌های کالایی هم‌چون ملک، طلا و سهام دریافت می‌نماید. لذا از طریق عقود مبادلاتی هم ایجاد بدهی ماندگار در سیستم بانکی موضوعیت ندارد. اگر مشکلی هم پیش بیاید آن‌چه اتفاق می‌افتد بدهی خریدار به فروشنده (سپرده‌گذار) است نه بدهی خریدار به بانک. بانک صرفاً وکیلی بوده است که در این ارتباط وظایفی را انجام داده و حق الوکاله‌اش را وصول نموده است.

نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات، یکی از شاخص‌های مهم بانکی است و درصد مطالبات غیرجاری از کل تسهیلات اعطاء شده توسط شبکه بانکی را نشان می‌دهد، یعنی از کل تسهیلاتی که بانک‌ها پرداخت کرده‌اند، چه نسبتی از آنها به شبکه بانکی بازگردانده نشده است. جدول زیر به مقایسه وضعیت مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی کشور می‌پردازد.

جدول۱. نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات در نظام بانکی ایران (درصد)

سال	مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات
۱۳۸۹	۱۳/۹
۱۳۹۰	۱۵/۱
۱۳۹۱	۱۴/۲
۱۳۹۲	۱۳/۲
۱۳۹۳	۱۱/۲
۱۳۹۴	۹/۷
۱۳۹۵	۹/۵
۱۳۹۶	۱۰/۳

مأخذ: بانک مرکزی

لازم به ذکر است که اگرچه نسبت این معوقات به تسهیلات پرداختی با کاهش رو به رو بوده است، لیکن میزان معوقات بانکی در طی سال‌های اخیر افزایش یافته است. همچنین میزان مطالبات غیرجاری بانک‌ها به تفکیک و در سه بخش بانک‌های دولتی تجاری، دولتی تخصصی و بانک‌های غیردولتی تجاری در نمودار یک نشان داده شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

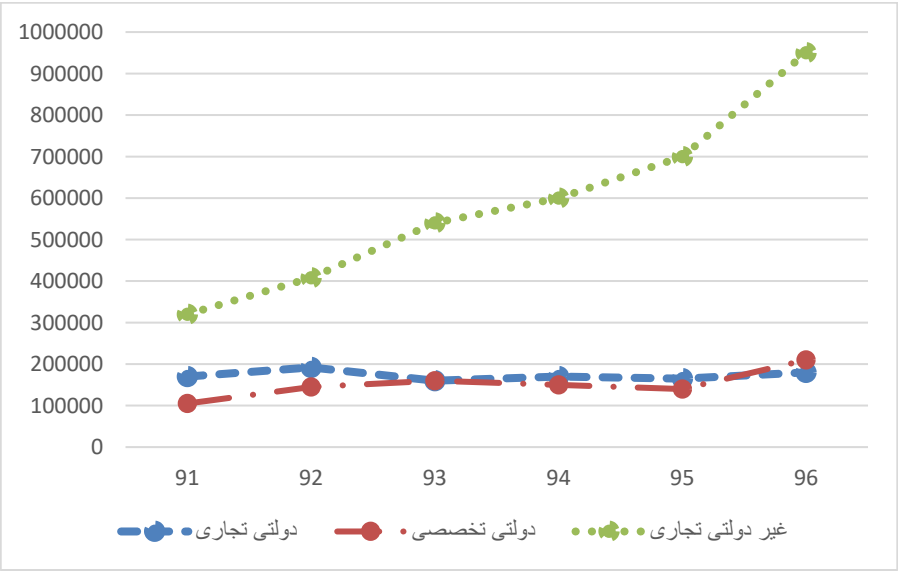

نمودار ۱. روند مطالبات غیرجاری به تفکیک بانک‌ها (واحد: میلیارد ریال)
مأخذ: گزارش عملکرد بانک‌های کشور – موسسه عالی بانکداری

میزان مطالبات غیرجاری به تفکیک بانک‌ها در نمودار فوق نشان می‌دهد که مقدار این مطالبات در بانک های دولتی تخصصی و دولتی تجاری در مقایسه با بانک‌های غیردولتی تجاری از نوسان کمتری برخوردار است. یکی از دلایل این موضوع را می‌توان تغییر دسته‌بندی بانک‌ها در سال‌های اخیر دانست. در ادامه روندخصوصی سازی بانک‌ها تعدادی از بانک‌های دولتی از این دسته‌بندی خارج شده و تحت عنوان بانک‌های غیردولتی به فعالیت خود ادامه می‌دهند، لذا این تغییر مرزبندی در بانک‌ها باعث می‌شود که مقایسه رشد مطالبات غیرجاری بانکی در بازه‌زمانی مختلف با خطا روبرو شود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که بانک مرکزی به وظایف خود به خوبی عمل نکرده است. باید دقت داشت بخش بزرگی از تسهیلات بانک‌ها، تسهیلاتی است که برنگشته و بانک‌ها با استمهال آن، ضرر خود را پنهان می‌کنند. استمهال به این معناست که بانک با اعطای یک وام جدید به اندازه وام سررسیدشده، به فرد اجازه می‌دهد وام قبلی خود را بازپس دهد. با این کار بانک می‌تواند همچنان به

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]
[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

فعالیت خود ادامه دهد و تنها نیازش به ذخایر در نزد بانک مرکزی افزایش می‌یابد که در ترازنامه بانک مرکزی، با افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی خودش را نشان می‌دهد.

٦. وضعیت مطالبات غیرجاری در کشورهای مختلف

نسبت مطالبات غیرجاری بانکی به تسهیلات اعطایی در نظام بانکی، میزان ریسک بانک‌ها در اعطای تسهیلات را می‌سنجد و یکی از معیارهای سنجش سلامت بانک است. لذا هر چه این رقم کاهش یابد، منجر به کارایی هر چه بهتر بانک‌ها در تأمین منابع مالی تولید کشور خواهد شد. از این رو، افزایش آن علامت هشداری برای نظام بانکی است و می‌تواند بر رشد اقتصادی در بلندمدت تأثیر سوء گذاشته و چرخه تولید را مختل کند. این رقم بر اساس استانداردها و عرف بین‌المللی بایستی بین ۲ تا۵ درصد تسهیلات اعطایی باشد و معوقات بیش از ۵ درصد تسهیلات بانکی به عنوان ریسک پرخطر محسوب می‌شود (محرابی،۱۳۹۳). نمودار (۱) نسبت مطالبات غیرجاری بانکی به تسهیلات اعطایی در ایران را با نظام بانکداری اسلامی مقایسه می‌کند. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، به طور متوسط در بانک‌های کشورهای اسلامی جهان این نسبت در حد استاندارد جهانی می‌باشد (به‌جز پاکستان که از نظر مطالبات غیرجاری مشابه ایران است)، حال اینکه در حال حاضر برای شبکه بانکی ما تقریباً چند برابر آن و در مرحله ریسک پذیری بالایی قرار دارد.

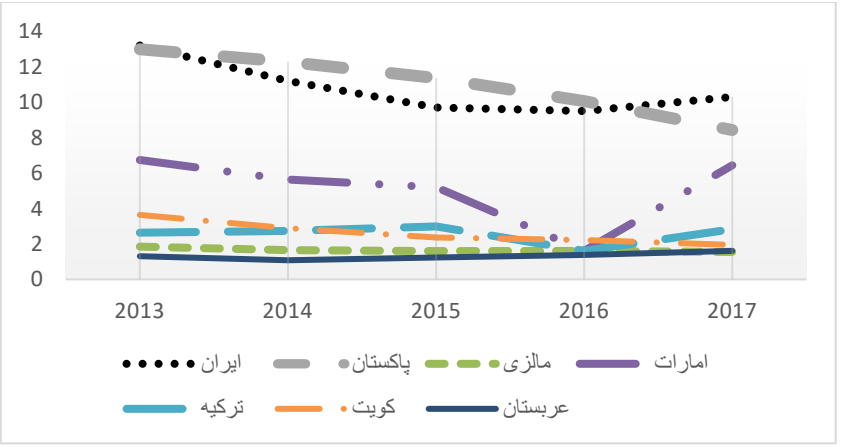

نمودار۲. مقایسه نسبت کل مطالبات غیر جاری بانکی به تسهیلات (به درصد)

مأخذ: BANK SCOPE

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

به طور کلی، مقایسه وضعیت نظام بانکی کشور با کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، بیانگر وضعیت بسیار نامناسب نظام بانکی ایران است. جدول (۲) وضعیت کشورهای مختلف جهان را طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۳ نشان می‌دهد. از طرفی ایران جزء کشورهای با درآمد پائین نیز به شمار می‌رود و از این منظر نیز وضع بدی دارد.

جدول۲. نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات در برخی کشورها(درصد)

	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
ایران	۱۳/۲	۱۱/۲	۹/۷	۹/۵	۱۰/۳
چین	۱	۱/۲۵	۱/۶۷	۱/۷۴	۱/۷۴
کانادا	۰/۵۷	۰/۵۲	۰/۵۱	۰/۵۹	۰/۴۸
آمریکا	۲/۴۵	۱/۸۵	۱/۴۷	۱/۳۲	۱/۱۳
انگلستان	۳/۱۱	۱/۶۵	۱/۰۱	۰/۹۴	۰/۷۳
سوئیس	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۷۴	۰/۶۴
اتحادیه اروپا	۶/۴۱	۵/۴۸	۴/۹۱	۴/۵۲	۳/۷۲
OEDD	۳/۲۴	۳/۲۶	۳/۱۹	۲/۹	۲/۴۸
کشورهای با درامد متوسط بالا	۳/۵۹	۲/۷۷	۴/۰۶	۴/۵۷	۴/۷
کشورهای با درامد متوسط	۳/۶۱	۳/۹۵	۳/۹۸	۴/۲۹	۴/۵
کشورهای با درآمد متوسط پایین	۳/۶۶	۴/۱۸	۳/۸۱	۳/۷۱	۳/۷۹
جهان	۴/۰۸	۴/۱۶	۴/۰۱	۳/۹۲	۳/۴

مأخذ: http: //DATA.WORLDBANK.ORG/indicator/fb.ast.nper.zs

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

۷. ابزارها و اقدامات پیشگیرنده در برخی کشورها

در ادامه برخی راهکارهای اتخاذ شده در چند کشور مورد مطالعه در قالب جدول ذیل ارائه می گردد.

کشور مورد مطالعه	ابزارهای پیشگیرنده	اقدامات انجام شده
پاکستان	قراردادن شروط ضمن عقد در قراردادها دریافت جریمه تأخیر بر مبنای تعزیر مالی فروش وثیقه بدون مجوز دادگاه	بانک‌ها بایستی جرایم دریافتی را برای مصارف خیریه مورد استفاده قرار دهند، لذا بانک‌ها صندوقهایی را برای این منظور نگهداری می‌کنند.
بحرین	وادار کردن بدهکار به پرداخت صدقه به موسسات خیریه	بانک‌ها جریمه دیرکردی برابر ۱/۲۵ درصد مبلغ معوقه را از بدهکاران برای مصارف خیریه دریافت می‌کنند.
مالزی	خسارت و جریمه تأخیر اعطای تخفیف و تمهیداتی به مشتریان خوش حساب	جهت رفع هرگونه شبهه و تردیدی در ارتباط با حقوق مشتریان در دریافت اینگونه تخفیفات، کلیه شرایط در قالب ماده (شرط) قانونی در قرارداد گنجانده می‌شود
کویت	دریافت هزینه‌هایی که طلبکار برای شکایت و بازپس گرفتن اصل پول خود متحمل آنها شده است	این راهکار که بر پایه موازین شرعی استوار است، توسط مرکز تأمین مالی کویت[1] مجاز دانسته شده است
چین	ایجاد انگیزه‌هایی نظیر تخفیف مالیاتی و معافیت از هزینه‌های اداری افزایش استانداردهای افشا و اصلاحات مدیریتی تصویب قوانین مورد نیاز	انجام اقدامات لازم در راستای کاهش ریسک
کره	تأسیس شرکت مدیریت دارایی کره و یک صندوق مربوط به دارایی‌های غیرجاری تقویت قواعد مربوط به ذخیره گیری وام‌ها و استانداردهای مربوط به طبقه بندی تسهیلات تجدید ساختار سرمایه بانک‌ها	
ژاپن	تصویب قوانینی درباره بهبود جریان‌های اطلاعاتی بهبود استانداردهای حسابداری	دولت ژاپن در کنار اصلاح قوانین، از وجوه دولتی برای مواجهه با ضعف‌های بخش بانکی استفاده کرده است.

مأخذ: مطالعات تحقیق

۱. بیت التمویل الکویتی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

۸. نتیجه گیری و پیشنهادات

با عنایت به تحلیل و کنکاش مختصری که در این مقاله درخصوص مطالبات معوق داشته‌ایم باید گفت که رشد این بخش از مطالبات در صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری وضعیت خوشایندی ندارد. عدم توجه به آن و عدم اصلاح ساختار نظارتی می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور نظام بانکی کشور را با بحران ورشکستگی روبه رو سازد؛ به‌علاوه از نکات بسیار کلیدی نظام مالی بدون ربا آن است که بین اجرا شدن آن و میزان بدهی رابطه مستقیم برقرار است. یعنی هر قدر این نظام حقیقی‌تر و غیرصوری‌تر اجرا شود میزان بدهی در نظام مالی کمتر می‌شود. به نحوی که می‌توان مدعی شد وقتی بدهی در نظام مالی وجود نداشته باشد نظام مالی به خوبی و به طور حقیقی اجرا شده است. همچنین راهکارهای انجام شده در سایر کشورها که در قسمت قبل به برخی از آنها اشاره شد، به لزوم افزایش استانداردهای نظارتی، ایجاد انگیزه از طریق تشویق خوش حساب‌ها و تنبیه بدحساب‌ها، اصلاحات مدیریتی در نظام بانکی و شفافیت جریان اطلاعات تأکید دارند. همچنین در مطالعات مشابه، ایجاد نرم افزاری جامع و به روز از سوابق اعتباری مشتریان شبکه بانکی کشور، حذف اعطای تسهیلات دستوری و ایجاد فرایندهای نظارتی الکترونیکی خارج از حدود اختیارات کادر کمیته‌های اعتباری بانک‌ها به عنوان توصیه‌های سیاستی ارائه شده است که در این مطالعه نیز مورد تأکید می‌باشند. نکته حائز اهمیت دیگر، هژمونی قوانین پولی و بانکی است که حتی با وجود قانون عملیات بانکی بدون ربا حفظ شده است. یعنی از آن حیث که قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) فقط بخش مختصری از قانون پولی و بانکی یعنی عمدتاً فصل دوم قسمت سوم آن را تشکیل می‌داد، اهداف آن تحت الشعاع سایر قسمت‌ها و فصول و مواد قانون پولی و بانکی قرار گرفت و نه تنها اجرایی نشد که منحرف هم شد. لذا روح کلی حاکم بر قوانین موجود در نظام بانکی به کلی با دیگری درتضاد قرار دارد، حتی اگر جزئیاتی به ظاهر یکسان داشته باشند. بنابراین می توان ادعا کرد ساختار حقوقی منسجمی برای تحقق بانکداری بدون ربا تعریف نشده است (سبحانی، ۱۳۹۴). در مجموع این پژوهش خطرات ناشی از گسترش مطالبات معوقه بانکی در سال‌های گذشته را بسیار جدی می‌داند، به طوری که توان تأمین مالی اقتصاد ملی افت شدید یافته و بانک‌های زیادی دچار

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

ورشکستگی خواهند شد و با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها سایر متغیرهای کلان اقتصادی به ویژه توزیع درآمد و فقر در جامعه گسترش می‌یابد. پس ضروری است به سرعت نظام بانکی کشور اصلاح گردد و نیز حمایت‌های مالی و غیرمالی از بخش‌های تولیدی به عمل آید.

منابع

آقایی، مجید و مهدیه رضاقلی‌زاده (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر عوامل کوتاه مدت و بلند مدت بانکی و اقتصادی مؤثر بر حجم مطالبات معوق در بانک‌های دولتی"، *تحقیقات اقتصادی*، پاییز ۱۳۹۶، دوره۵۹، شماره۳.

اکرامی، محمود و آزاده رهنما اسکی (۱۳۸۸). "بررسی عوامل مؤثر در مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک(نمونه)"، *پژوهشنامه اقتصادی*، زمستان ۸۸، شماره ۶.

پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی ج.ا.ا. (۱۳۹۷) آمارها و داده‌ها برگرفته از سایت www.cbi.ir .

پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵) بخش نظارت بانکی، بخش بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجاز. بخشنامه مب /۲۸۲۳ تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۵ .

رستمیان، فروغ و داوود طبسی (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مطالبات معوق بانک‌های تجاری مناطق آزاد تجاری- صنعتی (مورد مطالعه شعب بانک ملت منطقه آزاد کیش)"، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)*، تابستان ۱۳۸۹، دوره ۲، شماره ۶ .

سبحانی،حسن (۱۳۹۴). دادنامه نظام بانکیhttp://hasansobhani.ir

تاجیک، مهدی (۱۳۹۲). *مطالبات معوق بانکی: علل و راهکارها، گزارش نظرسنجی از هیات نمایندگان اتاق بازرگانی*، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

محرابی،لیلا (۱۳۹۳)، "آمار مطالبات غیرجاری در نظام بانکی کشور،مقایسه با سایر کشورهای اسلامی"، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۴۴ .

موسسه عالی آموزش بانکداری ایران،گزارش عملکرد بانک‌های کشور، سال‌های مختلف.

نتاج، غلامحسن تقی و حمیدرضا نجف پورکردی (۱۳۹۲). "بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راه کارهای پیشگیری و کاهش آن"، *نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۱۹ .

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]

Ando A. and M. Franco (1963), "The 'life-cycle' hypothesis of saving: aggregate Implications and tests". American Economic Review, 53(1), pp. 55–84.
Carey M. (1998). "Credit Risk in Private debt Portfolios". *Journal of Finance*, No.53, pp.1363-1387.
Castro, Vítor (2013). "Macroeconomic Determinants of the Credit risk in the Banking System: The Case of the GIPSI", *Economic Modeling*, No. 31, pp. 672-683.
Da Silva Marcos Soares, Divino, Jose Angelo (2013). "The Role of Banking Regulation in an Economy under Credit Risk and Liquidity Shock", *North American Journal of Economics and Finance*, available at SciVerse ScienceDirect.
Ezani Yaakub and Mohamed Azam, Mohamed Adil (2013). *Payment Charge in Islamic Bank*. The 5th International Conference on Financial Criminology (ICFC)
Fofack h. (2005). Nonperforming Loan in Sub-Saharan Africa;Causal Analysis and Macroeconomic Implications, World Bank Policy Research,Working Paper N 3769.
Geanakoplos J. (2009). The Leverage Cycle. Cowles Foundation Discussion Paper No.1715.
Louzis Dimitrios P., Vouldis, Angelos T. and L. Metaxas Vasilios (2012). "Macroeconomic and Bank-specific Determinants of Nonperforming Loans in Greece: A Comparative Study of Mortgage, business and Consumer Loan Portfolios". *Journal of banking&Finance*, No. 36, pp. 10-27.
Quagliarello M. (2007). "Banks Riskiness Over The Business Cycle:A Panel Analysis On Italian Intermedaries". *Applied Financial Economics*, No. 17, pp. 119-138.
Resolutions of Shariah Advisory Council of Bank Negara Malaysia (2011), Islamic Banking and Takaful Department, Central Bank of Malaysia.
Salas V. and J. Saurina (2002). "Credit Risk in two Institutional Regime: Spanish Commercial and Savings Banks". *Journal of Financial Services Research*, No.22, pp.203-224.
The Financial Stability and Payment System Report (2012). Central Bank of Malaysia.
Wiegand Michael (2005). A Growth Model for Islamic Banking, Mckinsey's Dubai Office.
http://data.worldbank.org/indicator
https://bankscope2.bvdep.com
http://www.cbk.gov.kw
http://www.hsbc.com.bh
http://www.sbp.org.pk.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.52547/qjerp.29.97.263]